

سیرالملوک یا سیاست نامه

اثر: خواجه نظام الملک طوسی
ادیب، نویسنده و سیاستمدار
قرن پنجم هجری

تصحیح، تلخیص، نگارش مقدمه

و شرح و توضیح از:

محمدرضا تبریزی شیرازی

شماره

: 978-600-5687-39-2

شماره کتابشناسی ملی

: ۲۲۶۶۳۳۵

عنوان و نام پدیدآور : سیرالملوک یا سیاست نامه حواجه نظام الملک طوسی / ابوعلی حسن بن علی طوسی

نظام الملک : به تصحیح محمدرضا شیرازی.

تهران: جهوری، ۱۳۹۰.

مشخصات نشر

مشخصات ظاهری

: ۲۵۸ص.

فروست

: گنجینه ادبیات ایران ۱.

موضوع

: کشورداری - متون قدیمی تا قرن ۱۲

موضوع

: پادشاهی - متون قدیمی تا قرن ۱۲

موضوع

: متر فارسی - قرن ۱۵.

رده بندی دیویی

: ۳۲۰/۱

رده بندی کنگره

: ۱۳۹۰ س ۹/۱ ج ۲

سیرشناسه

: نظام الملک، حسن بن علی، ۲۰۸-۲۸۵ق.

نشانیه افزوده

: تیریز شیرازی، محمدرضا، ۱۳۳۲ -، صفحه

وصفیت فهرست نویسی

: قیما



جمهوری اسلامی ایران

گزیده

سیاست نامه یا سیر الملوك

خواجه نظام الملک طوسی

چاپ اول	جمهوری ۱۳۹۰
ویرایش و تولید	نشر جمهوری
ناظر چاپ	علیرضا اسدی
تألیف، مقدمه، شرح	محمد رضا تیریزی شیرازی
لیتوگرافی	ترنج رایانه
چاپ	آینوس
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۵۶۸۷-۳۹-۲

۱۰۰۰ نسخه • ۷۵۰۰۰ ریال

حق چاپ محفوظ است

مراکز پخش و فروش

فروشگاه شماره ۱: خ جمهوری، روبروی خیابان باغ سپه سالار، شماره ۲۴۰

تلفن ۳۳۹۳۰۳۹۰ • فکس ۳۳۱۱۶۰۳۳

فروشگاه شماره ۲: خ دکتر شریعتی (قلهک) نرسیده به خیابان دولتروبروی مسجد جامع قلهک، پلاک ۱۴۸۵

تلفن ۳۲۶۰۲۵۵۵

دفتر مرکزی: خیابان انقلاب، خیابان فخررازی، خ شهدای زاندارمری غربی، شماره ۸۸

تلفن ۶۶۴۱۰۸۱۴ • فکس ۶۶۴۸۵۱۱۲

به یاد دوست

به جوانِ پاکِ دوستِ سفر کرده‌ام «مهندس محمد رضا قرنی» فرزند شریف و انسانِ دوستِ سردارِ رشید مبارزاتِ ضدّ استبدادی و ضدّ استعماری «سپهبد شهید محمد ولی قرنی» اولین رئیس ستاد مشترک ارتش جمهور اسلامی ایران، که دوستی صمیمی و مهربان و یار و یاورِ غمگسار بود و فقدانش برای من بسی تأثرانگیز.

محمد رضا تبریزی شیرازی

فهرست

پیشگفتار.....	۱۳
سبک و شیوه نگارش کتاب.....	۲۲
مقدمه.....	۲۷
نیمه ی اول.....	۳۷
فصل اول - اندر احوال مردم و گردش روزگار و مدح خداوند عالم خَلَّ اللَّهُ	
مُلْكُهُ.....	۳۷
فصل دوم - اندر شناختن قدر نعمت ایزد تعالی ملوک را.....	۴۲
حکایت در این معنی.....	۴۳
الخبر.....	۴۳
الخبر.....	۴۴
فصل سوم - اندر مظالم نشستن پادشاه و سیرت نیکو و وزیدن.....	۴۴
حکایت اندر این معنی.....	۴۵
حکایت در این معنی.....	۴۶
حکایت امیر عادل.....	۴۶
حکایت.....	۶۰
فصل چهارم - اندر احوال عمال و بر رسیدن پیوسته از حال ایشان و وزرا	
.....	۶۱

فصل الوزراء.....	۶۳
حکایت.....	۶۳
فصل پنجم - اندر مقطعان و بر رسیدن از احوال تا با رعایا چون می روند.....	۸۱
حکایت ملک عادل.....	۸۱
حکایت.....	۹۶
فصل ششم - اندر باب قاضیان و خطیبان و محتسب و رونق کار ایشان.....	۹۹
حکایت در این معنی.....	۱۰۰
حکایت در این معنی.....	۱۰۵
حکایت.....	۱۰۷
فصل هفتم - اندر بر رسیدن از حال عامل و قاضی و شحنة و رئیس و شرط سیاست.....	۱۰۸
حکایت.....	۱۰۹
حکایت.....	۱۱۰
حکایت.....	۱۱۰
الخبر.....	۱۱۳
حکایت.....	۱۱۳
الخبر.....	۱۱۴
فصل هشتم - اندر پژوهش کردن و بر رسیدن از کار دین و شریعت و مانند این.....	۱۳۱
حکایت.....	۱۳۳
حکایت.....	۱۳۷
فصل نهم - اندر مشرفان دولت و کفاف ایشان.....	۱۳۹
فصل دهم - اندر صاحب خبران و منہیان و تدبیر کارهای مملکت	

- کردن ۱۴۰
- حکایت در این معنی ۱۴۲
- فصل یازدهم - اندر تعظیم داشتن فرمان‌های عالی و مثال‌ها که از درگاه
نویسند ۱۴۳
- حکایت در این معنی ۱۴۴
- حکایت ۱۴۵
- فصل دوازدهم - اندر غلام فرستادن از درگاه در مهمات ۱۴۸
- فصل سیزدهم - اندر فرستادن جاسوسان و تدبیر کردن بر صلاح مملکت و
رعیت ۱۴۸
- حکایت عضدالدوله ۱۴۹
- فصل چهاردهم - اندر پیکان و پرندگان ۱۷۱
- فصل پانزدهم - در احتیاط کردن پروانه‌ها در مستی و هشیاری ۱۷۲
- فصل شانزدهم - اندر وکیل خاص و رونق کاو او ۱۷۲
- فصل هفدهم - اندر ندیمان و نزدیکان پادشاه و ترتیب کار ایشان ۱۷۳
- فصل هجدهم - اندر مشاورت کردن پادشاه در کارها با دانایان و پیران ۱۷۸
- فصل نوزدهم - اندر مفردان و برگ و ساز و زینت ایشان ۱۸۰
- فصل بیستم - اندر ساختن سلاح‌های مرصع و زینت بارگاه ۱۸۱
- فصل بیست و یکم - اندر معنی احوال و روش رسولان و ترتیب کار
ایشان ۱۸۲
- فصل دیگر هم در این معنی ۱۸۴
- فصل بیست و دوم - اندر ساخته داشتن علف‌ها در منزل‌ها و
مرحله‌ها ۱۸۶
- فصل بیست و سوم - اندر روشن داشتن اموال جمله‌ی لشکر ۱۸۷
- فصل بیست و چهارم - اندر لشکر داشتن از هر جنسی ۱۸۸
- حکایت ۱۸۹

فصل بیست و پنجم - اندر نوا سندن و مقیم داشتن بر درگاه	۱۹۰
فصل بیست و ششم - اندر داشتن ترکمانان در خدمت	۱۹۱
فصل بیست و هفتم - از زحمت ناکردن بندگان وقت خدمت و ترتیب کار ایشان	۱۹۲
حکایت	۱۹۷
بیست	۲۲۰
فصل بیست و هشتم - اندر ترتیب بار دادن خاص و عام	۲۲۱
فصل بیست و نهم - اندر ترتیب مجلس بارعام شرایط آن	۲۲۲
فصل سی ام - اندر ترتیب ایستادن بندگان و چاکران	۲۲۴
فصل سی و یکم - اندر حاجت ها و التماس های لشکر	۲۲۵
فصل سی و دوم - اندر ساختن نجمل و سلاح و آلت جنگ و سفر	۲۲۵
فصل سی و سوم - اندر عتاب کردن با برکشیدگان هنگام خطا و گناه	۲۲۶
حکایت	۲۲۷
حکایت	۲۲۷
فصل سی و چهارم - اندر کار پاسبانان و توبیان و دریانان	۲۲۹
فصل سی و پنجم - اندر خوان نهادن نیکو و ترتیب آن	۲۲۹
حکایت	۲۳۱
شعر	۲۳۵
فصل سی و ششم - اندر حق گزاردن خدمتکاران و بندگان شایسته	۲۳۶
حکایت	۲۳۶
حکایت	۲۳۶
حکایت	۲۳۸
حکایت	۲۳۹
فصل سی و هفتم - اندر احتیاط کردن اقطاع مقطعان و احوال رعیت	۲۴۰
فصل سی و هشتم - اندر شتاب ناکردن در کارها	۲۴۱

۲۴۱	 حکایت
۲۴۲	 فصل سی و نهم - اندر باب امیر حرس و چوب داران
۲۴۳	 حکایت
۲۵۱	 نیمه‌ی دوم
	فصل چهلیم - اندر بخشودن پادشاه بر خلق خدای عَزَّوَجَلَّ و هرکاری و
	رسمی که از قاعده و بنیاد خویش بیفتاده باشد با قاعده‌ی خویش
۲۵۱	 آوردن
۲۵۳	 حکایت
۲۵۹	 حکایت
۲۶۲	 حکایت
۲۶۴	 فصل اندر این معنی
۲۶۵	 فصل در معنی القاب
۲۶۶	 حکایت
	فصل چهل و یکم - اندر آن معنی که در عمل یک مرد را نافرمودن و
	بی‌کاران را شغل فرمودن و معطل و محروم ناگذاشتن و عمل، مردان پاک
۲۷۱	 دین و اصل را دادن و دور داشتن از خویش
۲۷۴	 حکایت در این معنی
۲۷۵	 حکایت
	فصل چهل و دوم - اندر معنی اهل ستر و سرای حرم و حدّ زیردستان و
۲۸۵	 مرتبت سران لشکر
۲۹۰	 حکایت
۲۹۱	 حکایت
۲۹۲	 الخبر
۲۹۲	 حکایت
۲۹۶	 در معنی زیردستان

فصل چهل و سوم - اندر باز نمودن احوال بد مذهبانی که دشمن این ملک و اسلام اند	۲۹۸
فصل چهل و چهارم - اندر خروج مزدک و چگونگی مذهب او و چگونه کشت او را و قوم او را نوشیروان عادل	۲۹۹
فصل چهل و پنجم - بیرون آمدن سینبادگیر بر مسلمانان از نساپور بری و فتیله‌ی او	۳۲۷
فصل چهل و ششم - بیرون آمدن باطنیان و قرمطیان و نهادن مذهب بدلتهم الله	۳۳۰
فصل چهل و هفتم - اندر خروج خزمره دینان خذلتهم الله	۳۳۵
دیگر خروج بابک	۳۳۸
فصل چهل و هشتم - اندر خزانه داشتن و تیمار داشتن قاعده و ترتیب آن	۳۴۸
حکایت	۳۴۸
فصل چهل و نهم - اندر جواب دادن و گزاردن شغل‌های متظلمان و انصاف ایشان بدادن	۳۵۱
حکایت	۳۵۲
حکایت	۳۵۲
حکایت	۳۵۴
فصل پنجاهم - اندر نگاه داشتن حساب مال ولایت‌ها و نسق آن	۳۵۶

به نام خداوند جان آفرین
حکیم سخن در زبان آفرین

پیشگفتار

خواجۀ نظام الملک طوسی و کتاب سیاست‌نامه

مَدّت‌ها بود که در انتظار و چشم به راه فرصت مناسبی بودم تا برای بار دیگر کتاب «سیاست‌نامه یا سیرالملوک» را به مطالعه گیرم و درباره‌ی شخصیت سیاسی و ادبی «قوام الدّین ابوعلی حسن بن ابوالحسن علی بن اسحق بن العباس طوسی» که بعدها در حکومت سلجوقیان به نظام الملک ملقب و مشهور شد و کتاب نفیس و گران سنگ او چیزی بنویسم و عنداللزوم کارهایی را که تاکنون درباره‌ی بعضی از بزرگان سیاست و ادب از روزگاران گذشته، بصورت کتاب و مقاله به رشته‌ی تحریر کشیده بودم و به زور طبع آراسته شده است درباره‌ی این سیاستمدار و ادیب قرن پنجم هجری انجام دهم مانند همان کاری که بیست سال قبل در زمینه شخصیت «عنصر المعالی کیکاوس» امیرادیب و دانشمند زیاری و کتاب ارجمند او «قابوس‌نامه» نگاشته و به شرح و توضیح دشواری‌های متن اثر مذکور اقدام نموده بودم، سیمای این وزیر فرزانه و سیاستمدار

کار آزموده و ادیب ارباب به تصویر کشم و دوباره در پناه فصل آن تأمل نمایم و اگر چه کتاب با نثری شیوا و روان و فصیح نگارش یافته است به مناسبت تسهیل کار خوانندگان هر جا که مشکلی یا لزوماً به توضیحی نیاز هست، به شرح آن پردازم.

مؤسسه‌ی انتشارات جمهوری که پیشگام در اشاعه و ترویج فرهنگ و تمدن و ادب درخشان و بی نظیر ایران اسلامی است و آثار بسیاری از این گنجینه‌ی گرانبها را انتشار داده و خدمتی ستودنی در جهت تنویر افکار عمومی و گسترش دانش و ادب در جامعه، بمنصه ظهور و بروز رسانده، از این فکر و اندیشه استقبال کرد و از نگارنده تقاضا نمود که این تحقیق و پژوهش را انجام و برای چاپ آماده نمایم.

نا گفته نگذارم که از دوران نوجوانی، گذشته از اشتیاق و عشق مفروطی که به اقیانوس ناپیدا کرانه ادب پارسی، اعم از شعر و نثر داشتم و ساعات عمر من به خوض در ژرفای این اقیانوس پر از گوهر و غوطه‌ور شدن در آن می‌گذشت، شیفته‌ی آثاری بودم که با سیاست و مسائل مربوط به جامعه‌شناسی و علوم انسانی عجین بود.

چه شب‌ها که تا به صبح، چشمان نافذ و روشن و تیزبین من به روی این آثار گرانقدر خیره می‌شد و از این گوهرهای گرانبها و الماس‌های معنوی خوش تراش، جهانی از زیبایی‌های روحی و معنوی را، در جان من شکوفا و بارور می‌ساخت.

جسم و کالبدی سالم و شاداب، روح و روانی پرنشاط و

شورانگیز، انرژی و نیروی شباب و جوانی، عشق و امید و آرزو، خستگی ساعت‌ها مطالعه و تحقیق را از من می‌زدود، دروغا که آن سال‌های زیبا و فراموش نشدنی عمر، بسان برقی شتابنده، خوش درخشید ولی آن دولت روحی و معنوی، مستعجل بود و خیلی زود سپری شد. یاد باد آن روزگاران یاد باد.

آن روزها و شب‌ها که از عنایات و الطاف الهی برخوردار بودم و تراوشات اندیشه و قلم، آثارم را رقم می‌زد، هنوز جوان بودم، احساس فرسودگی نمی‌کردم، غمگین و افسرده نبودم، یأس و حرمان گریبان‌گیرم نبود و ستاره‌های فروزان آمال و آرزوهای معنوی در وجودم خاموش نشده بود. دنیا برایم زیبا بود و درد جانگاہ و طاقت سوز هستی بر جانم مستولی نگشته بود. هنوز بر این باور بودم که دنیا تا زمانی زیباست که انسان‌ها از نظر روحی و معنوی زیبا باشند. اکنون که در این سپنجی سرای فانی و زودگذر، تمدن پوشالی و به تعبیر من، بربریت جدید، مرگ انسانیت را نشانه رفته و کلیه صفات عالیہ انسانی را محو و نابود ساخته و بشریت را به درنده‌خوترین سباع و درندگان تبدیل نموده است و روزی نیست که هزاران جوانم و جنایات هولناک و وحشت‌زا در سراسر گیتی به وقوع پیوندد، دیگر کجای این دنیا می‌تواند برای انسان دوستان واقعی زیبا باشد؟!

حاکمان کفر و الحاد، ظلم و بیدادگری، استبداد رأی و خودکامگی و فرمانروایان جائر و ستمگر، چنان تیشه به

ریشه‌ی انسانیت زده‌اند که جامعه‌شناسان حتی در چند دهه‌ی قبل پیش‌بینی کرده بودند که در عصر «اتوماسیون» یعنی همین روزگاری که ما در آن زندگی می‌کنیم با همه‌ی امکانات رفاه و آسایشی که در دسترس بشر قرار دارد «انسان» آرزوی مرگ می‌کند. چرا؟ به دلیل اینکه اخلاقیات و صفات عالی‌ه انسانی در معرض تابودی است و برغم تمام وسایل پر زرق و برق مادی که برای راحتی بشر تعبیه گردیده، از این خسرانی که عظوفت و مهر و محبت که لازمه‌ی وجود هر انسانی است یا زنجیر هزاران گنه‌ی اهریمنی دیوسیرتان و دد صفتان آدمی شکل به بند کشیده شده، از این خلاء دردناک، احساس بیهودگی و پوچی می‌کند.

به حاشیه رفتم تا نتیجه‌گیری کنم که تصادفاً کتاب «سیاست‌نامه» که خواجۀ سیاستمدار طوس برای پادشاه زمان خویش «ملک‌شاه سلجوقی» انشاء نموده است اگر در برخی جهات از تعصّب در عقاید مذهبی و سیاسی او چشم پوشی کنیم و لغزش‌های تاریخی را که در کتاب راه یافته است به دیده‌ی اغماض بنگریم دریاب‌های پنجاه گانه‌ی آن، فرمانروایان جهان را در هر عصر و زمانی، به خداشناسی و دین باوری و سپاس و شکر از نعمت‌های الهی، عدالت و دادگری، رسیدگی به تظلم و دادخواهی ستمدیدگان، مردم سالاری و خیر صلاح مردمان، تقوی و پرهیزکاری، نظارت مستمر بر کار عمال و کارگزاران و دولت‌مردان و گماردن قاضیان صالح و درست‌کردار در مسند قضاوت و... فرا

می خواند که خوانندگان گرامی مسائل طرح شده در متن کتاب را ملاحظه خواهند نمود.

آنچه که در ترجمان حال و شرح زندگانی «نظام الملک» می توان گفت اینست که او در سال ۴۰۸ یا ۴۱۰ هجری در نوغان از روستاهای رادکان طوس ولادت یافته است.

نیای پدری او اسحق نام داشت که دهقانی بود و در ناحیه ی بهمن زندگی می کرد و بکار کشاورزی روزگار می گذرانید. اسحق را چهار پسر بود به نام های ابوالحسن علی، احمد، محمد و ابونصر. فرزند مهتر او ابوالحسن علی دارای سه فرزند ذکور به نام های حسن (نظام الملک) فقیه اجل ابوالقاسم عبدالله و ابونصر اسمعیل بود.

ابوالحسن علی پدر نظام الملک، پس از مرگ پدرش اسحق در دستگاه «ابوالفضل سوری بن معتز» که از جانب غزنویان به حکومت خراسان منصوب شده بود شغل دیوانی یافت تا سرانجام به پیشه ی بتداری طوس که همان باعداری و فروش میوه های باغ های طوس باشد، اشتغال یافت. سال ها در این شغل فعالیت داشت، در همان جا ازدواج کرد و نظام الملک در آن دیار، پای به عرصه ی وجود گذاشت. دوران کودکی را در طوس سپری نمود. تحصیلات ابتدائی را در آنجا به پایان برد، در یازده سالگی تلاوت قرآن کریم را فرا گرفت و سپس راهی نیشابور و مرو گردید و در این دو شهر به تکمیل تحصیلات خویش پرداخت و در فقه شافعی، علم حدیث، زبان و ادبیات فارسی، تاریخ ایران، حکمت و فلسفه، زبان و ادبیات عرب

تبخر یافت. پس از فراغت از دانش های متداول زمانه، به شهر بلخ رفت و با ابوعلی بن شاذان ملاقات نمود و چون ابوعلی از دانش وسیع و قدرت مدیریت او آگاه شد، وی را به دبیری خود انتخاب نمود، در همین منصب بود که شهر بلخ به تصرف سلجوقیان در آمد و ابوعلی از سوی چغری بیگ سلجوقی به وزارت منصوب شد و او نظام الملک را به آلب ارسلان معرفی نمود و آلب ارسلان او را به دبیری خویش برگزید. ستاره ی بخت نظام الملک، هنگامی فروزان شد که آلب ارسلان به حکومت شمالی خراسان رسید و نظام الملک را در سال ۴۵۱ هجری به وزارت خویش منصوب نمود و چون طغرل سلجوقی، عموی آلب ارسلان در سال ۴۵۵ هجری درگذشت و تمامی قلمرو حکومت سلجوقیان در قبضه ی تصرف آلب ارسلان در آمد و به مقام سلطنت رسید، عمیدالملک کنذری وزیر طغرل را از وزارت برکنار و بجای او، امور مربوط را به نظام الملک تفویض نمود. وزارت نظام الملک در حکومت سلجوقیان، سی سال تداوم یافت. ده سال در سلطنت آلب ارسلان و بیست سال در پادشاهی ملک شاه سلجوقی، تا چنان افتاد که در سال ۴۸۵ هجری بر سر جانشینی «ملک شاه» با «ترکان خاتون» همسر ملک شاه، به دلیل رجحان «برکیارق» بر «محمود» فرزندان وی اختلاف نظر حاصل کرد و این مخالفت سبب شد که از وزارت معزول گردد.

پس از برکناری از وزارت هنگامی که از اصفهان عازم بغداد بود، بعلت تعصب شدید در مذهب تسنن و ضدیت با

شیعیان اسماعیلی، در نزدیکی نهاوند، در دهم رمضان سال ۴۸۵ هجری توسط یکی از فدائیان «حسن صباح» به نام «ابوطاهر اَرانی» مقتول گردید. دیری نپائید که با مرگ او، دولت سلجوقی رو به ضعف نهاد تا سرانجام منقرض شد. بزرگترین خدمتی که «نظام الملک» به جهان بشریت نموده، تأسیس مدارس نظامیه در شهرهای نیشابور، بلخ، هرات، خواف، مرو، اصفهان، بصره، موصل و بغداد بود که بزرگترین آن‌ها، مدرسه‌ی بغداد بود. در این مدارس، دانشجویان در رشته‌های مختلف علوم و دانش زمانه به تحصیل اشتغال داشته و از مشاهره و حقوق ماهانه برخوردار بودند. برای اداره این مدارس هم، موقوفاتی در نظر گرفته شده بود که درآمد آن موقوفات، هزینه‌های مربوط را تکافو می‌نمود. در این حوزه‌های دانش و معرفت صدها دانشمند فرزانه در زمینه‌های گوناگون فرهنگ و تمدن بشری ظهور نمودند که شیخ اجل «سمعی» پادشاه ملک و اقلیم سخنوری^۱ یکی از آنهاست که می‌گوید: «مرا در نظامیه ادرار بود.» یعنی در نظامیه بغداد، وظیفه و مستمری و مقرری ماهانه داشتم. اما کتاب سیاست‌نامه که محتوای آن، راه و رسم و آداب و آئین کشورداری و اداره‌ی صحیح مملکت است، در اواخر قرن پنجم هجری تألیف گردیده، کتاب در اصل سی و نه فصل بوده

۱- در بارگاه خاطر سمعی خرام اگر خراهی ز پادشاه سخن داد شاعری
 که گه خیال بر سرم آید که این منم ملک عجم گرفته به تیغ سخنوری

و بعداً" یازده فصل دیگر بر آن اضافه گردیده و به پنجاه فصل رسیده است.

بعضی از دانشمندان و محققان بزرگ معاصر، همچون فقید سیاست و ادب، زنده یاد «محمد تقی بهار» (ملک الشعراء) بر این باور بودند که اصل کتاب سیاست نامه، پنجاه و چهار باب بوده و اکنون مجموع محتوای آن، پنجاه فصل است که از چهار فصل دیگر آن اثری در دست نیست.

کتاب سیاست نامه یکی از امّیات آثار ادبی زبان فارسی دری است و در روانی و شیوایی نگارش، استواری و محکم بودن الفاظ و عبارات، درخشندگی و روشنائی مطالب و گوناگونی موضوعات، از آثار کم نظیر زبان فارسی است.

در این کتاب، نویسنده‌ی دانای آن، جای به جای به قرآن کریم، احادیث پیامبر عظیم الشان اسلام، حضرت ختمی مرتبت محمد مصطفی (ص) و قصص پیامبران الهی، استشهاد می‌کند و طریقه و روش پادشاهان عادل را در امور ملک و ملت بر می‌شمارد.

بقول نویسنده کتاب «از گذشتگان خیر است و از ماندگان سمر است و یا این همه درازی مختصر است و شایسته پادشاه دادگر است».

تألیف کتاب به اشارت و فرمان «ملکشاه سلجوقی» است و در این باب «نظام الملک» در مقدمه کتاب توضیح داده و نوشته است: «... بنده را فرمود که بعضی از سیر نیکو، از آنچه پادشاهان را، از آن چاره نباشد، بنویس و هر چیزی که

پادشاهان، بکار داشته‌اند و اکنون شرط آن به جای نمی‌آورند، چه پسندیده و چه ناپسندیده، آنچه بنده را از دیده و دانسته و شنیده و خوانده فراز آمد، یاد کرده شد و بر حکم فرمان عالی، این چند فصل یاد کرده شد. این دستور و فرمان انگیزه‌ای شد که خواجه نگارش کتاب را آغاز نماید. در سال ۴۸۵ هجری که تقاضای «ملک‌شاه» برآورد شد و کار تألیف آن پایان گرفت «خواجه نظام الملک» دست نوشته‌ی خویش را به محمد مغربی، نسخه‌پرداز و نویسنده‌ی کتاب‌های مورد نظر پادشاه، ارائه داد و او بعد از واقعه‌ی ترور و قتل «خواجه نظام الملک»، آنرا مرتب و منظم نمود و به قول شادروان عباس اقبال آشتیانی، مورخ بزرگ معاصر، آن را از سواد به بیاض آورد و این کار تحقیقاً در زمان سلطنت «محمد بن ملک‌شاه» صورت پذیرفته است. ناگفته نماند که اصل کتاب که در سی و نه باب نوشته شده بود قبلاً توسط «خواجه نظام الملک» به «ملک‌شاه» ارائه شده بود و چون پادشاه آن را پسندید، دستور داد از حالت اختصار خارج و نکاتی در هر باب اضافه شود. «خواجه» امثال امر کرد، باب‌های سی و نه گانه را بارورتر نمود و یازده باب دیگر بر آن افزود که به صورت فعلی در آمد.

نکته شایان توجه اینکه سیاست‌نامه حاوی مسائل مهم و اطلاعات ارزنده‌ای در زمینه تشکیلات سیاسی و امور مربوط به حکومت در دوره سلجوقیان و دوران قبل از آن است که از نقطه نظر جامعه‌شناسی سیاسی بسیار مهم و ارزشمند و از این دیدگاه معرف اوضاع و احوال سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و

اقتصادی، در دوره‌ای از ادوار تاریخی سرزمین کهنسال ماست.»

سبک و شیوه نگارش کتاب

همان طور که در سطور گذشته، اشاره نمودم، کتاب سیاست‌نامه یا سیر الملوک، به مناسبت شیوائی، رسائی و سلاست و روانی مطالب و مباحث مندرج در آن، در قرن‌های متمادی، مورد توجه و عنایت فرزنانگان، فرهیختگان، دانشوران، دانش پژوهان و طبقات و لایه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی و فرهنگی بوده است.

سادگی عبارات و جمله‌ها و لطافت و ظرافت معانی، به دلیل اقبال عمومی، نسبت به این اثر، سبب گردیده که واژه‌ها و عبارات آن، دست‌خوش تحریف کاتبان و نسخه برداران قرار گیرد. اما با این همه در چند دهه‌ی گذشته کوشیده شده است که موارد تحریف شده توسط دانشمندان به اصل باز گردد و اصالت مطالب کتاب حفظ شود.

سبک نگارش و انشاء کتاب، بیشتر به تاریخ بلعمی نزدیک است تا به تاریخ بیهقی، اگر تشابهی به تاریخ بیهقی داشته باشد، بیشتر از این نظر است که «نظام الملک» مانند «ابوالفضل بیهقی» به آوردن لغات و واژه‌ها، اصطلاحات و استعارات، کنایات و ارسال المثل‌های تازه و بدیع در نثر، مبادرت نموده، به نحوی که به مطالب جان تازه بخشیده و از تشریح جزئیات و شفاف ساختن مباحث مندرج در کتاب، چشم‌پوشی ننموده

است. نکته شایان توجه اینکه «نظام الملک» زیاد تحت تأثیر نفوذ زبان عربی قرار نگرفته و از نظر صرف و نحو و جمله‌بندی تا آن‌جا که توانسته از روش معمول در زبان فارسی دری، استفاده نموده و از آوردن لغات مشکل و دور از فهم عمومی خودداری کرده است.

غالب جمله‌ها به فعل ختم می‌شود و فاعل همیشه بر فعل مقدم است، چرا که نویسندگان متقدم چنین شیوه‌ای را در نوشتار خویش به کار می‌برده‌اند. به طور کلی می‌توان سبک نگارش کتاب را اجمالاً به شرح زیر خلاصه نمود:

- ۱- صیغه‌های افعال در جای خود قرار می‌گیرد.
- ۲- افعال انشائی و استمراری به روش قدیم بایاً مجهول استعمال می‌شود.
- ۳- مصادر مرخم در این کتاب کمتر به کار رفته است.
- ۴- فعل‌های مکرر از یک جنس که از مختصات نثر پهلوی و دری قدیم است گاه در کتاب مشاهده می‌شود.
- ۵- لغات تازی کمتر در کتاب به کار رفته و باریک نظر آماری، از ده درصد، تجاوز نمی‌کند.
- ۶- از جمله‌های مترادف، موازنه در کتاب اثری نیست و سجع نیز از یکی دو مورد بیشتر نخواهد بود.
- ۷- در حد امکان سخن به ایجاز گفته شده و از مختصر کردن و کوتاه نمودن مطالب، فروگذار نشده ولی ایجازی که به زیبایی و دلکشی و نغز و شیرینی سخن افزوده و به کلام خللی

وارد ننموده است.

۸- آوردن ترکیبات جدید از پارسی و عربی.

۹- توسل به امثال، حکایات و آوردن کنایات و استعارات.

۱۰- به کار بردن افعال در جمله به شیوه‌ی نثر دوران

سامانی.

که خواننده دانش پژوه و فرهیخته، موارد ذکر شده را در متن کتاب ملاحظه و بر روی هر یک از این عوامل که سبک و شیوه‌ی اثر را در انشاء و نگارش متمایز و ممتاز می‌کند، تأمل خواهد نمود.

با امعان نظر به اینکه از ابتدا، قصد بر این بود که مقدمه و شرح و توضیح کتاب، از حالت اطناب و طولانی کردن سخن، بر کنار باشد تا نه فقط دانشجویان رشته‌های علوم انسانی بل سایر ادب دوستان و فرهنگوران بتوانند از این اثر بهره‌مند گردند، بنابر اختصار و کوتاهی سخن گذاشتم و به همین مقدار بسنده کردم.

در پایان به جاست که یاد آوری نمایم که کتاب مورد بحث را برای اولین بار، شفره خاور شناس فرانسوی در سال ۱۳۱۰ قمری - ۱۸۹۱ میلادی در پاریس منتشر کرد و در سال ۱۸۹۳ میلادی آنرا به زبان فرانسه ترجمه نمود و سپس در سال ۱۸۹۷ میلادی یک جلد ملحقات تاریخی بر آن افزود پس از آن، متن کتاب چندین بار در ایران و هند به طبع رسید و در سال‌های ۱۹۴۹، ۱۹۶۰ به زبان‌های روسی، آلمانی و انگلیسی ترجمه گردید.

آخرین چاپ متن فارسی آن، در سال ۱۳۴۰ شمسی، به سعی و اهتمام هیوبرت دارک (hiubertdark) استاد زبان فارسی در دانشگاه کمبریج انگلستان، تصحیح انتقادی گردید و در سلسله انتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب، به طبع رسید. این انتخاب، شرح و توضیح، از روی چاپ هشتم مصحح که به سال ۱۳۸۷ شمسی، توسط شرکت انتشارات علمی و فرهنگی انتشار یافته، انجام گردیده و به حکم «مَنْ لَمْ يَشْكُرِ الْمَخْلُوقَ لَمْ يَشْكُرِ الْخَالِقَ» از آقایان حسن و علیرضا اسدی، مدیر مسئول انتشارات جمهوری و ناظر چاپ که وسایل طبع و انتشار کتاب را به زیبایی فراهم ساختند صمیمانه سپاسگزارم.

تهران - اول اسفندماه ۱۳۸۹ خورشیدی

برابر با شانزدهم ربیع الاول ۱۴۳۲ هجری قمری

محمدرضا تبریزی شیرازی